



سید سمندر شاه نعمتی

۱۵ می ۲۰۱۶

بهار، زمانی که درختان از شکوفه تاج مرصع بر سر میگذارند  
نوروز، آغاز دگرگونی اندیشه ها و نیرو افزا

نوبهار آمد و چون عهد بتان توبه شکست

فصل گل دامن ساقی نتوان داد ز دست

شهریار

بهار در وجه تسمیه عبارت است از یکی از فصول اربعه ای سال خورشیدی که سه ماه اول آن عبارت اند از حمل، ثور و جوزا. در این فصل درختان سبز و خرم میشوند، "منصب شاهی" را بخود گرفته و از شکوفه تاج مرصع بر سر میگذارند. گیاه ها دوباره میرویند و زمین فرش زمردین را گسترانیده، بر آن غزالان به پایکوبی پرداخته و مشک میافشانند. در گلستان گل های رنگارنگ بسوی بلبلان نگاه عاشقانه می نمایند و بلبلان برای گل ها غزل های دلنواز می خوانند. آبشاران باده ای مهر و محبت نوشیده، مست میگردند، و ترانه های دلنشین میسرایند.

در اصطلاح فاصله بین اول "اعتدال ربیعی" و اول "انقلاب صیفی" را "نوبهار" و "بهاران" نیز میگویند. بهار به معنی شکوفه و گل درخت، بویژه گل نارنج، "بت" و "بت خانه" نیز گفته شده است. "بت" مظهر عشق و وحدت است. در مورد عشق میگویند که از "عشقه" ریشه گرفته است. "عشقه" گیاهی است دارای "برگ های درشت" و ساقه ای نازک، که بر درخت می پیچد و بالا میرود.\*

این گفته ای سعدی شیرازی، استاد سخن در مورد بهار صدق میکند:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی بکف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمان بردار

شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

منظور سعدی از "فرمانبرداری" واقعاً از خداوندی است که از مرده زنده و از زنده مرده بو جود می آورد. زمین که در فصل زمستان "کفن سفید" پوشیده، گویا در فصل بهار دوباره زنده میگردد. در "نوروز" که روز اول سال خوانده می شود، دیگرگونی کیفی طبیعت بوقوع می پیوندد. ایرانیان به این روز "نوروز سلطانی" نیز میگویند. در سال های قدیم "نوروز"، روز اول سال نبوده، بلکه در فصول مختلف سال، گاهی به بهار و گاهی به تابستان می افتاد. در سال ۴۷۱ هجری قمری، بفرمان ملک شاه سلجوقی، حکیم عمر خیام و چند منجم دیگر "تقویم جلالی" تنظیم کردند و "نوروز" را در روز اول ماه حمل قرار دادند.

نوروز نزد ایرانیان دو قسم است: نوروز عامه و نوروز خاصه. در نوروز عامه، پادشاهان در پنج وز اول گویا در دربار عام حاجت های مردم را روا میکردند. روز ششم را نوروز خاصه یا بزرگ نامیدند. پادشاهان در این روز خاصان و ندیمان خود را می پذیرفتند و به عیش و عشرت می گذراندند. واقعاً باید به نوروز شادی و خوشی نمود. زیرا سال کهنه جایش را به سال نو میدهد. در سال نو در کنار طبیعت، انسان ها نیز از نیروی بیشتر خلافت و ابتکار عمل برخوردار میگردد. کسانی که نوروز را نفی میکنند، در اصل نوآوری، اختراع پیشرفت و تکامل را رد میکنند. تکامل، دانش و آموزش را نفی کردن، خلاف "شریعت" است. در یکی از آموزه های اسلامی گفته می شود که: " علم را بی آموز و لو که در چین باشد".

---

\* عشقه در فارسی "عچ"، "نویچ"، "تیژ"، "جلبوب" و "دار سبج" نیز گفته شده است.